

یکشنبه • ۱۲ بهمن ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۲۶ • ۹ 	
روزنامه جهان	
گفت‌وگوی میان تاریخ و اقتصاد	صفحه ۱۰
پروستائیسیم منهای سرمایه‌داری؟	صفحه ۱۱
۸ آرزوی عجیبی که برآورده شد	صفحه ۱۲

نگاه
چالش‌های ترکیه در سوریه
آرون استین . عضو مرکز مطالعات امنیتی ژئو

ساکنان شهر کردنشین «جزیره» در کردستان ترکیه در جوار مرزهای عراق و سوریه در پناهگاه و سنگرهایی قدم می‌زنند که از سوی جوانان برای ممانعت از ورود پلیس ترکیه به این شهر ایجاد شده‌است. دیوارهای جزیره با تصاویری از «عبدالله اوجلان»، رهبر زندانی حزب «کارگران کردستان» و صحنه‌های مقاومت شهر «کوبانی»، دیگر شهر کردنشین در سوریه منقش شده که بیش از چهارماه در مقابل گروه تروریستی «داعش» مقاومت کرد و در نهایت آزاد شد. شورش‌ها زمانی در جزیره و دیگر شهرهای کردنشین رخ داد که حکومت ترکیه از عبور عده‌ای از کردها از مرز برای حمایت از برادرانشان در سوریه جلوگیری کرد. فقط در خلال تنش‌های ماه اکتبر حداقل ۳۰ نفر کشته شدند و این تعداد سه‌براب بیشتر از افرادی بود که در درگیری‌های پارک «کزی» بین معترضان و پلیس جان خود را از دست داده بودند. در آن زمان اوجلان اعلام کرد اگر در کوبانی قتل عامی اتفاق بیفتد، به فرآیند صلح بین ترکیه و حزب کارگران کردستان پایان می‌دهد.

سیاست ترکیه در سوریه

درحالی‌که مذاکرات صلح حزب عدالت و توسعه با حزب کارگران کردستان در جریان است، جنگ در سوریه به عامل جدید تنش بین کردهای مساکن این کشور و حکومت ترکیه تبدیل شده و سیاست حزب «عدالت و توسعه» در ارتباط با مرز سوریه و حمایت این حکومت از چندگروه افراطی مشخص اپوزیسیون در سوریه بزرگ‌ترین دلیل آن است. گفته می‌شود ارتکاز با گروه‌های متعدد شورش در سوریه ارتباط دارد. این رابطه خشم بسیاری از کردها را در سوریه و ترکیه نسبت به ارتکاز برانگیخته است؛ از این‌رو بسیاری به اپوزیسیون سوریه به دلیل رویکرد محافظه‌کارانه و حمایت از یک‌دولت مرکزی قدردند در سوریه با شک و تردید نگاه می‌کنند. بسیاری از کردها در ترکیه براین باورند که حزب عدالت‌وتوسعه از کردهای اسلامگرا علیه کردهای ناسیونالیست طرفدار حزب کارگران کردستان حمایت می‌کند. این باور نیز به‌نوبه‌خود، به خشم فزاینده کردهای علی‌ه رویکرد حزب عدالت و توسعه در قبال کردهای سوریه منجر شده‌ است. کردها در سوریه با اعلام ایجاد سده‌کاتون خودمختار در اواسط جولای۲۰۱۲ زوردارند که یک حکومت غیرمتمرکز در این کشور تاسیس شود، این کاتون‌ها با جدیت در حال ایجاد نهاده‌ها و مراکز برای تثبیت این وضعیت هستند. ارتکاز با در نظر داشتن این واقعیت که این سه‌استان از سوی حزب اتحاد دموکراتیک اداره می‌شوند، در مقابل این تلاش‌ها مقاومت کرده‌است. به همین دلیل ارتکاز اردردد منزوی‌کردن کاتون‌ها برآمده و حتی در مواقعی از گروه‌های تندرو در حمله به مناطق تحت کنترل حزب اتحاد دموکراتیک حمایت کرده است. به دنبال محاصره کوبانی از سوی داعش، خشم موجود از سیاست‌های ارتکاز در قبال سوریه حادتر شد. ارتکاز تاکنون از پیوستن به عملیات هوایی علیه داعش سر باز زده است و به جای آن به نیروهای ائتلاف فشار وارد می‌کند تا دامنه حملات هوایی را علیه اهداف حکومت سوریه افزایش دهند، اما در این میان تردید بیشتر ارتکاز در کمک به حزب اتحاد دموکراتیک، ناشی از ارتباط این حزب با حزب کارگران کردستان است و نه نارضحتی از تصمیم نیروهای ائتلاف در حمله به اهداف داعش یا گسترش دامنه حملات هوایی در حال انجام که شامل اهداف سوریه نیز می‌شود. در تابستان گذشته کردها توانستند به آسانی بین سوریه و ترکیه در حرکت باشند. بنابراین هنگامی که ارتکاز نیروهای خود را به مرز فرستاد، درک بسیاری از کردهای این بود که این اقدام تاکتیک دیگری در راستای حمایت از داعش و اقدامی علیه حزب اتحاد دموکراتیک بود. «سارا کایا»، شهردار مشترک «نصیبین» که شهری کردنشین در مرز با سوریه است، می‌گوید: در خلال درگیری‌های ماه اکتبر، بسیاری از شورشیان در این شهر بودند و رییس‌پلیس از من پرسید چرا شما برای کوبانی مبارزه می‌کنید؟ کوبانی، مساله شما نیست و من به او گفتم از آنجا که مردم ساکن آن‌سوی مرز از برادران و خانواده من هستند، پس منطقت کوبانی مساله من هم است.

دلایل قیام

با این حال، دقیقاً دوره قبل از بحران سوریه و هنگامی که ارتکاز و دمشق از مناسبات دیپلماتیک نزدیکی برخوردار بودند، با وجود مشکلاتی که دولت سوریه در قبال کردهای این کشور داشت، امکان به وجودآمدن قیامی در راستای حمایت از کردهای سوریه در میان کردهای ترکیه دور از ذهن به‌نظر می‌رسید. در آن زمان، مناسبات کردها در سرتاسر مرزهای ترکیه-سوریه بیشتر به احساسات خویشاوندی و روابط خانوادگی محدود شده بود که از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی به بعد قطع شده بود. بیشتر کردهایی که در نصیبین، جزیره و بخش‌هایی از جنوب‌شرقی ترکیه زندگی می‌کنند، می‌گویند، آنها قبل از سال۲۰۱۱ هرگز کام کوبانی را نشنیده‌اند. اما پس از تصرف این شهر توسط داعش، کوبانی به بحث روزانه کردها در ترکیه تبدیل شد. پیوندها بین شهرهای کردنشین سوریه و ترکیه، به‌ویژه پس از ظهور حزب اتحاد دموکراتیک در بخش کردنشین سوریه در حال رشد است زیرا هر دوحزب اتحاد دموکراتیک در کردستان سوریه و حزب «صلح و دموکراسی» به جنبش ناسیونالیستی‌کرد به رهبری حزب کارگران کردستان نزدیک هستند. تاکنون تنها سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه این بود که نگذارد کردهای ترکیه از کردهای سوریه حمایت کنند، اما دمشق نتوانست این سیاست را به‌خوبی عملی کند. اتخاذ چنین سیاستی از سوی حزب عدالت و توسعه، از سویی تلاش‌های ارتکاز را برای منزوی‌کردن طرفداران حزب کارگران کردستان با خطر مواجه کرده و از سویی‌دیگر و از همه مهم‌تر فرآیند صلح با کردها را به خطر انداخته است.

یادداشت
ترکیه از درون

رها معتمدی: بازدیدکنندگان از بالای برج «گالاتا» در استانبول منظره‌ای از شهر قدیمی را می‌بینند؛ فانوس چوبی دریایی متعلق به قرن۱۶میلادی و برجی‌که توسط بازرگانان جمهوری‌نشین جنوبی در سال۱۳۴۸ ساخته شده، اکنون نماد منافع پایتخت خارجی این کشور است.۵متر پایین‌تر از این مکان شلوع به مرکزی می‌رسند که در حال تجربه سریع‌ترین رشد اقتصادی جهان است. رشد سریع اقتصادی ارتکاز از سوی دیگر به چنددلیل آسیب‌پذیر است؛ نخستین نگرانی همان تورم است که به ۱۴/۰درصد رسید که بیشتر از پیش‌بینی بانک مرکزی این کشور بود. نگرانی مهم‌تر برای ارتکاز آن است که ترکیه برای گسترش اقتصاد خود باید از پایتخت خارجی خود فاصله بگیرد و از این وابستگی خود بکاهد. توسعه اقتصادی ترکیه ناشی از تحولات سیاسی مانند اجرای دموکراسی، برگزاری انتخابات آزاد، وجود احزاب سیاسی و مطبوعات مستقل، جنگ با تروریسم و میراث کمالیسم بوده است. از سوی دیگر، حزب «عدالت و توسعه» از اواخر دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان نیروی موثر سیاسی، نقش اصلی را در توسعه اقتصادی ترکیه بازی کرده است. دولتی که این حزب را تشکیل داد، در قیاس با دولت‌های گذشته تفاوت‌های چشمگیری داشت. عدالت و توسعه نخستین حزبی بود که توانست به طور مستقل و بدون ائتلاف با دیگر کشورها، دولت تشکیل دهد و انتصاب شخصیت کارزماتیک مانند «حزب‌طیب اردوغان» (رییس‌جمهوری کنونی) برای نخست‌وزیری به مشروعیت این دولت کمک ویژه‌ای کرد. این حزب توانست در شاکله اصلی سیاسی و اجتماعی این کشور تغییرات اساسی را ایجاد کند. یکی از اصلی‌ترین اقدامات آنان افزایش توان اقتصادی به دنبال اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه بود. تمامی تغییرات در صحنه سیاست خارجی دولت ترکیه که به رهبری حزب عدالت و توسعه دنبال می‌شود، حاکی از تفاوت محسوس در سیاست خارجی ارتکاز نسبت به پیش از پیروزی حزب عدالت و توسعه و روی کارآمدن مسلمانان سکولار در آن کشور است. در حال حاضر به‌خوبی می‌توان انعطاف‌پذیری را در فعالیت‌های تجاری ترکیه مشاهده کرد چرا که ارتکاز برای رقابت در عرصه جهانی در اندیشه جهت‌یابی دوباره در عرصه‌های اقتصادی است. باوجود تحولات و تغییرات مثبت در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی، ترکیه با چالش‌های عمده‌ای نیز روبه‌روست؛ تنش‌های کنونی میان دولت و شهروندان کرد، اختلاف‌های جدی میان رهبران نظامی و غیرنظامی، مناقشات این کشور با قبرس و ارمنستان، رکود در اروپا و عدم ثبات و اطمینان از شرایط اقتصادی ممکی از مسایل بالقوه‌ای هستند که تمامی دستاوردهای ارتکاز را در چندسال اخیر تهدید می‌کنند. ترکیه با تبدیل‌شدن به بنگاهی در جهان اسلام توانسته از تنش سیاسی خرس و به میوه رسیده‌ای تبدیل شود. پاسخ دیگر جشن‌های صدساله برای جمهوری ترکیه چندان حایزاهمیت نیست؛ چراکه این کشور بیشتر در اندیشه تبدیل‌شدن به یک قدرت جهانی دموکرات است؛ جایی‌که عقاید، مردم و کالاها از سراسر جهان به سوی آن سرازیر شود.



پروفسور دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه سیاتل در گفت‌وگو با «شرق»:

گولنیست‌ها و طرفداران اردوغان دوروی یک‌سکه‌اند



نوژن اعتضادالسلطنه

روزگاری برای سرکوب کمونیست‌ها با ملی‌گرایان افراطی ترک متحد بودند، برای کنارزدن ارتش از صحنه سیاست هم‌پیمان شدند و اکنون بر سر تقسیم قدرت و منابع مادی به جان یکدیگر افتاده‌اند. این توصیفی ساده از ریشه اختلاف «فتح‌الله گولن» و «رچ‌طیباردوغان» و هواداران این دوچهره اسلامگرا است که یکی در نپسبولینا به‌سر می‌برد و برای خودشان مذهبی قابل است و مدعی عدم تمایل به ورود به عرصه سیاست است و دیگری در کسوت نخستین رییس‌جمهوری غیرایلیک ترکیه بوده و انگشت اتهامش را به‌سوی گولنیست‌ها گرفته است. «اونور باکینر» استاد علوم سیاسی دانشگاه سیاتل که از جزییات مسایل سیاسی ترکیه آگاه است، در گفت‌وگو با «شرق» به واکاوی علل اختلاف جنبش گولن با شخص اردوغان و تاریخچه فرازنشیب روابط دوجریان اسلامگرای «عدالت و توسعه» و «هزمت» پرداخت.

علت اصلی اختلاف میان اردوغان و گولن چیست؟ تفاوت میان آنها و هواداران‌شان در چیست؟
حادثه‌ای و سیاسی است. جنبش گولن به‌تدریج از دههٔ ۸۰ میلادی و از طریق اعمال کنترل بر مدارس و نهادهای آموزشی و بخشی از رسانه‌ها رشد کرد. گولن در دههٔ ۹۰میلادی عمدتاً از احزاب راست میانه حمایت می‌کرد، اما زمانی که حزب عدالت‌وتوسعه به‌عنوان شاخه میانه‌رو اسلامگرایان در سال۲۰۰۱ تاسیس شد، جنبش گولن از آن حزب حمایت کرد. زمانی که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید، گولنیست‌ها از شرایط ایجادشده به‌عنوان فرصتی مناسب برای گسترش کنترل خود بر پلیس، دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی استفاده کردند. در عوض، حمایت رسانه‌ای گولنیست‌ها از حزب عدالت و توسعه، کسب سهم بیشتری از قدرت سیاسی بود. حزب عدالت و توسعه جریانی تازه‌تاسیس بود که فاقد کادرهای لازم برای در دست‌گیری کنترل نهادهای اداری بود و به‌همین‌خاطر با تقسیم قدرت با گولنیست‌ها مواجه شده‌ است. بااین‌حال، اما حزب تحت‌رهبری اردوغان، پیروزی عدالت و تضعیف دشمنان سنتی‌اش (از جمله دستگاه قضایی و ارتش سکولار) را مدیون پایگاه حمایتی گولنیست‌ها و شرکت آنان در انتخابات بود. دیگر نیازی به جنبش گولن و تقسیم قدرت با آن نمی‌دید. نزاع اجتناب‌ناپذیر میان دوجریان از اواخر سال۲۰۱۳ آغاز شد؛ زمانی که دولت تصمیم گرفت تا مدارس آماده‌سازی دانشگاهی را که توسط جنبش گولن اداره می‌شدند و منبعی برای قدرت اقتصادی آن جریان بودند تعطیل کند.

آیا تفاوتی میان پایگاه طبقاتی و اجتماعی اردوغان و هواداران اردوغان و ظرفیت‌های آنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه وجود دارد؟ آیا به‌نظر شما گولن توانایی برنده‌شدن در نزاع با اردوغان را خواهد داشت؟

مطمئن نیستم تفاوت عمده‌ای میان هواداران گولن و اردوغان از نظر پایگاه طبقاتی وجود داشته باشد. درست است طبیف‌کوچکی از هواداران گولن را روشنفکران و نخبگان اقتصادی تشکیل می‌دهند. بااین‌حال، آنان همان کسانی بودند که در موقع نیاز و مواجهه حزب عدالت و توسعه با بی‌ثباتی، به اردوغان نیز مشاوره داده‌اند. روزنامه‌های «زمان» و «تودیززمان» بیشترین مشروعیت فکری و نظری را برای اردوغان در فاصله سال‌های۲۰۰۰ به‌بعد به‌ارمغان آوردند. به‌همین‌دلیل گمان نمی‌کنم تفاوت ایدئولوژیک یا طبقاتی چشمگیری میان هواداران اردوغان و گولن وجود داشته باشد. در مورد پایگاه حمایتی، ما مشاهده کردیم نزاع میان اردوغان و گولن هزینه سنگینی را برای اردوغان در انتخابات به همراه نداشت. این نشان‌دهنده آن است که هواداران گولن از نظر نیروی شرکت‌کننده در انتخابات در سطح قابل‌توجهی نیستند یا آنکه بسیاری از هواداران گولن با وجود نزاع به‌وجودآمده میان دوره‌هر (اردوغان – گولن) آرای خود را به‌نفع اردوغان به صندوق ریخته‌اند.

بسیار دورازذهن به‌نظر می‌رسد که گولنیست‌ها بتوانند در جریان منازعه با اردوغان و حزب عدالت‌وتوسعه، او را شکست دهند. آنان در ایجاد انشقاق درون حزب عدالت‌وتوسعه و جلوگیری از پیروزی اردوغان در انتخابات ریاست‌جمهوری آگوست سال۲۰۱۴ شکست خوردند. دولت عدالت و توسعه تلاش می‌کند تا با شدیدترین صورت ممکن به منابع اقتصادی گولنیست‌ها آسیب بزند. بااین‌حال، شاید حضور گولنیست‌ها در دستگاه اداری ترکیه بیش از آن چیزی بوده که اردوغان تصور می‌کند. پس از دور گسترده‌ای از بازداشت‌ها و اخراج‌های صورت‌گرفته در میان نیروهای پلیس و دستگاه قضایی، هواداران اردوغان هنوز هم از جانب حضور هواداران گولن در این نهاده‌ها احساس خطر و ناامنی می‌کنند. در نتیجه، حزب عدالت و توسعه و اردوغان بر اوضاع تسلط دارند، اما منازعه هنوز پایان نیافته است.

آ چه تفاوت دیدگاهی میان اردوغان و گولن درباره مساله کردها، رابطه با اسرائیل، بحران سوریه و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا وجود دارد؟
بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که گولنیست‌ها در مقایسه با اعضای حزب عدالت و توسعه دیدگاه محافظه‌کارانه‌تری درباره مساله کردها دارند.

نخستین نشانه بروز اختلاف میان گولن و اردوغان را باید پیش از بازداشت‌های دسامبر۲۰۱۳ و در حوادث فوریه۲۰۱۲ جست‌وجو کرد: «هاکان فیدان»، رییس دستگاه امنیتی دولت اردوغان به‌دلیل برگزاری جلسات محرمانه با رهبران گروه شورش‌ی کرد «پ‌ک» بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت. بازجوها و افسران پلیسی که در پشت‌پرده بازجویی از «فیدان» قرار داشتند، آنگونه که اکثر تحلیلگران معتقدند، از گولنیست‌ها بودند که مخالفان جدی مذاکره دولت ترکیه با «پ‌ک» هستند.

گمان نمی‌کنم نزاع میان گولن و اردوغان بر سر مسایل مرتبط با سیاست خارجی باشد. البته از زمانی که اختلاف آغاز شده، هواداران اردوغان درصدد بوده‌اند تا از گولن چهره‌ای حامی رژیم اسرائیل را ترسیم کنند؛ این درست است که گولن بخشی از چهره القاشده خود در افکار عمومی به‌عنوان رهبری میانه‌رو را مدیون عدم‌طرح انتقادات تندوتیز و مستقیم علیه قدرت‌های خارجی مثل رژیم اسرائیل و دولت آمریکا‌ست. در نتیجه، لحن جنبش گولن در قبال اسرائیل اغلب مداراجویانه‌تر از اردوغان بوده است. بااین‌حال، باید اشاره کرد سیاست خارجی ترکیه ناگهان در قبال رژیم اسرائیل در فاصله سال‌های۲۰۱۰-۲۰۰۹ و در قبال سوریه در سال۲۰۱۱ تغییر کرد. این درحالی است که اردوغان سال‌های پیش از آن، در این دومقوله رویکردی مسالمت‌جویانه‌تر اتخاذ کرده بود. در نتیجه، من گمان نمی‌کنم موضوع سیاست خارجی علت نزاع کنونی میان اردوغان و گولن بوده باشد.

آیا اردوغان و گولن اختلاف‌نظری درباره مسایل ایدئولوژیک با یکدیگر دارند؟ آیا اختلاف رویکردی میان آنها در عرصه اقتصادی وجود دارد؟
گولن و اردوغان اختلاف‌نظر عمده‌ای بر سر الگوی اقتصادی ندارند. ترکیه در طول ۱۲سال گذشته شاهد رشد تدریجی بر سر الگوی اقتصادی بوده که روی توسعه بخش ساخت‌وساز، رشد بدهی بخش خصوصی و دغدغه کمتری برای حقوق کارگران داشته است. گولن و هوادانش هرگز به‌طور اساسی این الگو را زیر سوال نبرده‌اند. آنان تنها زمانی از فساد حکومتی سخن گفتند که جالبش‌شان با دولت در دسامبر۲۰۱۳ افزایش یافت. بااین‌حال، تا به امروز آنان کلامی درباره چگونگی وجود فساد سیستماتیک در الگوی اقتصادی مورد حمایت‌شان سخن نگفته‌اند. حزب عدالت و توسعه و جریان

		
	بسیاری از ناظران تحولات سیاسی ترکیه از ایجاد ائتلافی میان گولنیست‌ها و احزاب اپوزیسیون سخن می‌گویند. بسیاری از رای‌دهندگان به گولن اعتماد ندارند و احساس می‌کنند گولنیست‌ها مسببان اصلی ایجاد وضعیت کنونی در ترکیه هستند	

گولن هردو از نظام سرمایه‌داری با جهت‌گیری اسلامگرایانه حمایت می‌کنند.

آیا به‌نظر شما اختلاف‌نظری میان اردوغان و گولن درباره لایسیته و میراث کمالیسم و رویکرد در قبال نئوعثمانی گرایی وجود دارد؟

آنچه گولنیست‌ها و هواداران اردوغان بر سر آن اتحادنظر دارند، مخالفت با حاکمیت سکولاریسم نظامی اواخر دهه ۹۰ میلادی بوده است. نیروهای نظامی در سال۱۹۹۷، حزب اسلامگرای رفاه را مجبور به ترک قدرت کردند. در آن زمان، اردوغان مدت‌زمان کوتاهی را به اتهام دامن‌زدن به نفرت مذهبی در بازداشت به‌سر برد. این تجربه بود که موجب اتحاد نیروهای مذهبی در سال ۲۰۰۰ شد. این درست است که پیروزی حزب عدالت و توسعه واکنشی به سیاست‌های کوتنه‌بینانه و ناعادلانه سکولارها در اواخر دهه۹۰میلادی بود. بااین‌حال، گولن و اردوغان هردو از قربانی‌شدن خود در آن دوره به‌عنوان حربه‌ای علیه مخالفان حزب عدالت و توسعه استفاده کردند و آنان را همدستان کودتاگران دانستند. برای مثال، «احمدشیک» و «ندیم شنر» از روزنامه‌نگاران ترکی بودند که ارتباطی با نظامیان نداشتند اما به اتهام توطئه‌چینی برای انجام کودتای نظامی بازداشت شدند. پس از بالاگرفتن دامنه نزاع میان اردوغان و گولن، اردوغان و حزب عدالت و توسعه مدعی شدند گولنیست‌ها بازداشت‌های صورت‌گرفته را بدون اطلاع دولت سازماندهی کرده بودند این درحالی است که قطعه چنین ادعایی واقعیت نرند. در گولنیست‌ها در انتخابات تلاش کردند تا با تشکیل ائتلافی ضدحزب عدالت‌وتوسعه، رای سکولارها را به‌سوی خود جلب کنند اما این موضوع محقق نشد چراکه سکولارها به‌دشواری می‌توانستند به آنان اعتماد کنند.

آ به‌نظر شما چرا گولنیست‌ها با احزاب اپوزیسیون ترکیه همچون حزب کمالیست جمهوری خلق و حزب ملی‌گرای افراطی، «حرکت ملی» ائتلاف تشکیل نمی‌دهند؟ آیا فکر می‌کنید چنین ائتلافی در آینده امکان‌پذیر است؟
در‌حال‌حاضر بسیاری از ناظران تحولات سیاسی ترکیه از ایجاد ائتلافی میان گولنیست‌ها و احزاب اپوزیسیون سخن می‌گویند. برای حزب سکولار جمهوری خلق، این ایده‌ای خطرناک است؛ بسیاری از رای‌دهندگان به گولن اعتماد ندارند و احساس می‌کنند گولنیست‌ها مسببان اصلی ایجاد وضعیت کنونی در ترکیه توسط اردوغان هستند. این درحالی است که رای‌دهندگان حزب «حرکت ملی» و جنبش گولن از نظر ایدئولوژیک دارای اشتراک‌نظر بیشتری با یکدیگر هستند چراکه هر دوطیف از نظر اجتماعی موضعی محافظه‌کارانه و